



## تورم سبقت می گیرد

میترا عظیمی

تورم از مهمترین مسایل و معضلات اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و گاهی پیشرفته است. به طور کلی تورم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای ساختاری تلقی می‌گردد. خصوصاً کشورهایی که اقدام به سیاست تعدیل اقتصادی نموده‌اند (نظیر کشور ما)، سطوح بالاتری از تورم را تجربه می‌کنند که مهار آن ظاهراً به

قیمت از دست دادن سایر اهداف اقتصادی است.

در اقتصاد ایران این معضل جدی است و علاوه بر تورم، رکود نیز در برخی دوره‌ها گریبانگیر اقتصاد ایران بوده است. در این مجال ضمن مروری بر ادبیات تورم و دلایل ایجاد آن، به ارایه گزارشی درباره‌ی تورم می‌پردازیم. افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها، تورم نام دارد.

از این تعریف بسیار ساده استنباط می‌شود که هر افزایش قیمت کالای خاصی تورم تعریف نمی‌شود. همچنین افزایش باید مداوم و بی‌رویه باشد تا بتوان از آن مفهوم تورم را استنباط کرد. بنابراین وقتی صحبت از تورم می‌شود، منظور افزایش بی‌رویه‌ی سطح عمومی قیمت‌هاست و این نکته حایز اهمیت است. اقتصاددانان معتبر جهان همچون "میلتون فریدمن" تورم را افزایش پایدار و مستمر سطح عمومی قیمت‌ها تعریف کرده‌اند. با توجه به این تفاسیر، حتی اگر سطح عمومی قیمت‌ها تنها در یک دوره‌ی خاص و یکباره افزایش یابد و سپس روند صعودی آن قطع شود، به آن تورم گفته نمی‌شود. چرا که براساس تعریف، افزایش قیمت‌ها باید تداوم داشته باشد. تورم را بر مبنای شدت و درجه‌ی آن می‌توان به سه دسته‌ی تورم خفیف که به افزایش ملایم و کند قیمت‌ها در طول زمان گویند، تورم شدید که آهنگ رشد قیمت‌ها در آن شدید و معمولاً دورقمی است و تورم بسیار شدید که ویژگی عمده‌ی آن بروز بی‌اعتمادی کامل نسبت به پول رایج کشور است و عموماً

افزایش بالاتر از ۵۰ درصد در ماه را تحت این عنوان یا ابر تورم نام گذاری می‌کنند.

تورم از جمله پدیده‌هایی است که می‌تواند آثار و تبعات مثبت و منفی به دنبال داشته باشد؛ البته اگر سطح حداقل تورم در کشور موجود باشد، برای تولیدکنندگان و صاحبان مشاغل و حرفه، انگیزه ایجاد می‌کند که به سطح تولید خود بیفزایند. بنابراین تورم، آن هم در سطوح بسیار پایین، می‌تواند به نفع کشور باشد. اما همین تورم اگر از حد آستانه‌ای بالاتر رود می‌تواند آثار مخربی به اقتصاد وارد کند. مهمترین اثر تورم، آثار توزیعی آن به نفع گروه‌های پردرآمد و به ضرر گروه‌های فقیر و کم درآمد و حقوق بگیر است.

به عبارتی تورم، به افراد دارای درآمدهای پولی ثابت ضرر می‌زند و از قدرت خرید آنان می‌کاهد. در مقابل به نفع اغلب کسانی است که درآمدهای پولی متغیر دارند. همچنین تورم می‌تواند تقاضای افرادی را که قدرت خرید آنان کاهش یافته کم کند و بدین ترتیب به انحراف منابع تولیدی از کالاهای ضروری به سمت کالاهای لوکس منجر شود. علاوه بر این تورم می‌تواند به نااطمینانی در محیط کسب و کار اقتصادی منجر شده و مشکلات و موانع بسیاری را برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران ایجاد نماید. تورم می‌تواند هزینه‌های دولت را افزایش داده و بدین ترتیب دولت‌ها را مجبور به کسب درآمد بیشتر یا استقراض از بانک مرکزی نماید که در هر دو حالت

**تورم می‌تواند  
تقاضای افرادی را که  
قدرت خرید آنان  
کاهش یافته کم کند و  
بدین ترتیب به  
انحراف منابع  
تولیدی از کالاهای  
ضروری به سمت  
کالاهای لوکس منجر  
شود**

می تواند ضربات جبران ناپذیری را به اقتصاد وارد کند.

در نهایت تورم می تواند رشد اقتصادی را کاهش داده و به رکود اقتصادی منجر شود. یکی از مهمترین دلایل بروز تورم در کشور ما بی انضباطی مالی دولت است. تا سال ها عدم استقلال بانک مرکزی در کشور باعث شد تا عملاً این نهاد خزانه دار دولت تلقی شده و در مواقع بحرانی به دولت کمک کند. البته با استقلال بانک مرکزی این مساله تا حدی کمرنگ تر شده است. از سوی دیگر صندوق ذخیره ای ارزی باب دیگری شده تا دولت ما کارآمدی های خود را از طریق آن جبران نماید.

سیاست های دولت می تواند نقش تعیین کننده ای در تورم داشته باشد. به عنوان مثال در سال های اخیر سیاست های دولت در زمینه ی اشتغال زایی و اجرای طرح های زودبازده،

موجود در کشور ما برای تولید بوده و هزینه های تولید را افزایش داده است.

حال که مفهوم، آثار و تبعات تورم تا حدی روشن شد، گزارشی از وضعیت تورم در کشور ارائه می دهیم. طی گزارشی که اخیراً از سوی بانک مرکزی منتشر شده است، ایران دارای بالاترین نرخ تورم است به طوری که متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳، عمده فروشی و تولیدکننده بر مبنای سال پایه ۱۳۷۶، در ۱۲ ماهه منتهی به آذر ماه سال ۱۳۸۶، نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب ۱۶،۱۵/۴، ۱۷/۲ درصد رشد داشتند. مقایسه این ارقام با ارقام مشابه سال قبل (۱۰، ۹/۳ درصد) نشان دهنده آن است که رشد هر سه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی تولیدکننده و عمده فروشی افزایش یافته است.

## از جمله دلایل دیگر بروز تورم در کشور ما این است که بخش اعظم ماشین آلات و تجهیزات تولیدی ما وارداتی هستند که به علت کاهش ارزش پول ملی ایران، قیمت آنها برای تولیدکننده داخلی گران است

محصولات داشته است. در ۱۲ ماهه منتهی به آذر ماه سال ۱۳۸۶ شاخص بهای مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها نسبت به دوره ی مشابه سال قبل به میزان ۱۸/۷ درصد افزایش یافت که با توجه به ضریب اهمیت آن در تشکیل شاخص کل، سهمی معادل ۳۱/۹ درصد در رشد شاخص کل داشت. مقایسه استانی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در استان ها نشان می دهد که تهران، اصفهان و خراسان رضوی در ۱۲ ماهه منتهی به آذر ماه سال ۱۳۸۶ نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب ۱۷/۱، ۱۶/۴، ۱۶/۷ درصد افزایش داشت. این سه استان به دلیل داشتن ضرایب اهمیت سنی بالا، بیشترین اثر مستقیم را بر تغییرات شاخص کل دارند.

در کنار تمامی آمارهای داخلی، آخرین آمار ارائه شده توسط صندوق بین المللی پول در سطح بین المللی در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۷ میلادی (شهریور سال ۱۳۸۶) نشان می دهد کشور ژاپن دارای نرخ تورم ۰-۰/۲ درصد و کمترین میزان تورم به کشورهای سوئیس، فرانسه و مالزی به ترتیب ۰/۸، ۰/۷، ۱/۹ و بیشترین میزان تورم در این ماه به کشورهای ایران و سریلانکا به ترتیب با ۱۷/۳ و ۱۷/۹ درصد اختصاص داشته است. در میان کشورهایی که اطلاعات آنها منتشر شده، بالاترین نرخ تورم مربوط به ایران است.

### سخن آخر

با توجه به ادامه ی روند فعلی انتظار می رود که نرخ تورم همچنان افزایش یابد. حساسیت این امر با توجه به اینکه روزهای پایانی سال را سپری می کنیم بیشتر می شود. چرا که علاوه بر تمامی دلایلی که برای بروز تورم ذکر کرده ایم، تورم انتظاری نیز بر افزایش آن دامن می زند. چرا که مردم منتظرند تا با ورود به سال جدید با سطح بالاتری از قیمت ها مواجه شوند. حال در این میان تمامی هم دولت کاهش نرخ تورم است ولی شاید اگر بخشی از این تلاش ها به سمت افزایش تولید معطوف بود، نتیجه ی بهتری حاصل می شد.



این در حالی است که از اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۴ شاهد کاهش مستمر نرخ رشد ۱۲ ماهه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی از ۱۵/۴ درصد به ۸/۶ درصد در خرداد ماه سال ۱۳۸۵ بوده ایم. نرخ مذکور از مرداد ماه سال ۱۳۸۵ با روند صعودی به ۱۷/۲ درصد در آذر ماه سال ۸۶ افزایش یافت. افزایش شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در ۱۲ ماهه منتهی به آذر ماه سال ۱۳۸۶ نسبت به دوره مشابه سال قبل بیشتر ناشی از افزایش شاخص بهای دو گروه اصلی خوراکی ها و آشامیدنی ها و مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت ها بود.

البته سهمیه بندی بنزین نیز تأثیراتی بر روی تورم داشته است. با توجه به فاصله ی زیاد بین مناطق تولیدی محصولات زراعی و باغی از نقاط مصرف و تأثیر بالای نرخ حمل و نقل بر قیمت تمام شده ی این محصولات، افزایش قیمت و سهمیه بندی بنزین باعث شده است که برخی از محصولات به نقاط مصرف حمل نشوند. و یا با هزینه بالا حمل شوند که این عامل تأثیر قابل ملاحظه ای را در سال جاری بر قیمت این

عمده تا به افزایش تولید منجر نشده است بلکه به گونه ای با برداشته های مکرر از حساب ذخیره ارزی نقدینگی در کشور افزایش یافته است. البته عوامل دیگری چون ناکافی بودن سرمایه گذاری و تولید در کشور که به علت عدم وجود محیط کسب و کار اقتصادی سالم، عدم تعادل سازنده با اقتصاد جهانی، ریسک و ناطمینانی سرمایه گذاری، بوروکراسی سرراه تولید، قوانین و مقررات متعدد، متناقض و کهنه، تصویب قوانین و مقررات جدید در هر روز، عدم شناخته شدن حقوق مالکیت در کشور و... دارند.

از جمله دلایل دیگر بروز تورم در کشور ما این است که بخش اعظم ماشین آلات و تجهیزات تولیدی ما وارداتی هستند که به علت کاهش ارزش پول ملی ایران، قیمت آنها برای تولیدکننده داخلی گران است. از سوی دیگر هزینه های اخذ تسهیلات در کشور ما بسیار بالاست و تولیدکننده برای تامین سرمایه ی لازم برای احداث کارخانه، کارگاه و... باید سود بالایی را پرداخت کند. قانون کار نیز از دیگر معضلات